

کتاب دانیال — ایک سو بتیسواں حصہ

د دومینے آزمونی نبوی اہمیت افشا کول: د خُناور د ان خور او د ۱۴۴،۰۰۰ د مہر لگولو
د وخت درک کول

Jeff Pippenger

2024-03-12

در مقالات پیشین زمانی را صرف شناسایی ویژگی‌های نبویِ آزمون دوم از سه آزمونی کردیم که به وسیله سه فرشته نمایش داده شده‌اند. هر فرشته نماینده آزمونی معین است، و آزمون دوم به صورت آزمونی بصری به تصویر کشیده شده است. ما هر سه فرشته را شناسایی کردیم، و آزمون‌های مربوط به هر یک نیز در فصل اول دانیال مشخص شده‌اند، جایی که دومین آن سه آزمون بر پایه ظاهر دانیال و آن سه جوان شایسته، پس از آنکه به جای خوراک بابلی، رژیم گیاه‌خواری را خوردند، قرار داشت. یکی دیگر از ویژگی‌های آزمون دوم این است که غالباً به وسیله نمادی از ترکیب کلیسا و دولت بازنمایی می‌شود.

هر سه فرشته و آزمون‌های مربوط به هر یک، در سقوط بابل نمود در باب یازدهم پیدایش مشخص شده‌اند. این سه آزمون در آنجا به وسیله سه بار به کار رفتن عبارت «بپایید» در آیات سه، چهار و هفت نشان داده شده‌اند. دومین عبارت «بپایید» در آیه چهار، آزمون فرشته دوم را مشخص می‌کند.

و آنان گفتند: «بپایید برای خود شهری و برجی بنا کنیم که سر آن به آسمان برسد، و برای خویشتن نامی بسازیم، مبادا بر روی تمامی زمین پراکنده شویم.» پیدایش 11:4

یک شهر نمایانگر یک دولت است، و یک برج نمایانگر یک کلیسا. آنان همچنین خواهان خصلتی معین بودند، چنان‌که این امر در میل ایشان به ساختن نامی برای خود نمودار است. در آزمون دوم، خصلت غالباً آشکار می‌گردد، و این امر در تقابل با خصلتی متضاد صورت می‌پذیرد؛ چنان‌که در قائل و هابیل، باکره‌های دانا و نادان، یا در آزمون دوم دانیال در ظاهر دیداری میان آنان که از خوراک بابل خوردند، در برابر آنان که از بنشن خوردند، نمایان شده است.

میں تجھ سے درخواست کرتا ہوں کہ اپنے بندوں کو دس دن آزمائے؛ اور ہمیں کھانے کے لیے سبزیوں اور پینے کے لیے پانی دیا جائے۔ پھر ہمارے چہرے تیرے سامنے دیکھ جائیں، اور ان لڑکوں کے چہرے بھی جو بادشاہ کے کھانے کا حصہ کھاتے ہیں؛ اور جیسا تو دیکھے، اپنے بندوں کے ساتھ ویسا ہی سلوک کر۔ چنانچہ اُس نے اسی معاملہ میں اُن کی بات مان لی اور دس دن انہیں آزمایا۔ اور دس دن کے آخر میں اُن کے چہرے اُن سب لڑکوں سے زیادہ خوب صورت اور جسم میں بھرے ہوئے دکھائی دیے جو بادشاہ کے کھانے کا حصہ کھاتے تھے۔ دانی ایل 2:12-15۔

در تاریخ میلری، آزمون فرشته دوم دو طبقه از پرستندگان را آشکار ساخت. آن طبقه که در این آزمون مردود شد، دختران روم گردید؛ و طبقه دیگر، امینانی بودند که همچنان از نور فزاینده پیروی می‌کنند. دختران روم بازتاب ساختار نبوی مادر خویشان، و آن مادری که ایشان دختران او شدند، به عنوان مادر فاحشه‌ها شناخته شده است. از دیدگاه نبوی، فاحشه کلیسایی است که با دولت وارد رابطه می‌شود، چنان‌که در تصویر پاپیت مشاهده می‌گردد.

نخستین سه فرشته در باب چهاردهم مکاشفه، هر سه آزمون مربوط به هر یک از آن سه فرشته را در خود دارد؛ چنان‌که باب اول دانیال نیز چنین است. در دانیال دوازده نیز فرایند آزمون سه مرحله‌ای مشخص شده است؛ بنابراین، فرایند آزمون سه مرحله‌ای هم در آغاز کتاب دانیال و هم در پایان آن

حضور دارد.

بسیاری تطهیر خواهند شد، و سفید گردانیده خواهند شد، و آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید؛ و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ لیکن دانایان خواهند فهمید. 12:10

دهمین آیه نخستین آزمون را «تطهیری» معرفی می‌کند که در صحن قدس رخ می‌دهد، جایی که برّه ذبح می‌شود و عدالت تبرئه‌کننده به گناهکار محسوب می‌گردد. دومین آزمون در آیه ده «سفید ساخته شدن» است که به وسیله مکان مقدس در قدس نشان داده می‌شود، و بیانگر زمانی است که تقدیس به ایمان‌آورنده افزوده می‌گردد. سومین مرحله «آزموده شدن» است که نمایانگر داوری قدس‌الاقداص است؛ جایی که قوم خدا مهر می‌شوند و جلال‌یافتگی به انجام می‌رسد. دو گروه پرستندگان با شریران که نمی‌فهمند و حکیمان که می‌فهمند، بازنمایی شده‌اند.

دومین آزمون، که بارها در کلام مقدس به تصویر کشیده شده است، آزمونی بصری را نمایندگی می‌کند که در آن دو طبقه از پرستش‌کنندگان آشکار می‌شوند و اتحاد کلیسا و دولت نمادپردازی می‌گردد. به همان اندازه مهم این است که از ویژگی‌های دومین آزمون آن است که بر سومین آزمون پیشی می‌گیرد، و سومین آزمون نمایانگر داوری است. با این حال، درباره داوری سومین آزمون قیدی مهم وجود دارد، زیرا هر یک از این سه آزمون دربردارنده نوعی داوری‌اند، اما دو آزمون نخست در تاریخی قرار داده شده‌اند که در آن رشد شخصیت هنوز ممکن است. سومین آزمون از این جهت متفاوت است که محک نبوتی‌ای است که صرفاً مشخص می‌سازد در دو مرحله پیشین فرایند آزمون، به کدام طبقه از پرستش‌کنندگان بدل شده بودی.

در زمان مهرشدن صد و چهل و چهار هزار نفر که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و با قانون یکشنبه در ایالات متحده پایان می‌یابد، سه آزمون وجود دارد. نخستین آزمون زمانی بود که آن فرشته در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد، و در توافق با فرشته‌ای که در تاریخ میلری در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد، آن آزمون، آزمونی درباره رژیم غذایی است. در فصل اول دانیال، نخستین آزمون آن بود که دانیال در دل خود قصد کرد از خوراک پادشاه نخورد. هنگامی که روح‌القدس در تعمید مسیح فرود آمد و سپس او چهل روز روزه گرفت، نخستین آزمون او نیز رژیم غذایی بود.

سومین و آخرین آزمون در زمان مهرشدن صد و چهل و چهار هزار نفر، قانون یکشنبه است. در آن هنگام، همه کسانی که از الزامات سبت روز هفتم آگاهی دارند و برمی‌گزینند که در روز خورشید عبادت کنند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد، و برای ابدیت گم‌شده‌اند. پس از سه سال، در باب یک دانیال، دانیال و آن سه یار برگزیده را نزد نبوکدنصر (نمادی از قانون یکشنبه) آوردند تا درباره آموزشی که در طول سه سال پیشین دیده بودند داوری شوند. هنگامی که پدر و پسر، در روایت شورش نمرود، در سومین «برویم پایین» فرود آمدند، برای آن بود که زبان ایشان را مشوش سازند و ایشان را بر روی زمین پراکنده کنند. آزمون سوم، آزمون تعیین‌کننده‌ای است که آن دو طبقه را برای ابدیت از یکدیگر جدا می‌سازد.

“هم مثل علف‌های هرز و هم مثل تور به روشنی تعلیم می‌دهند که هرگز زمانی نخواهد بود که همه شریران به سوی خدا بازگردند. گندم و علف‌های هرز تا هنگام درو با هم می‌رویند. ماهیان نیکو و بد نیز با هم به ساحل کشیده می‌شوند تا در پایان از یکدیگر جدا شوند.

“باز هم، این مثل‌ها تعلیم می‌دهند که پس از داوری، دیگر هیچ مهلت آزمایشی‌ای وجود نخواهد داشت. هنگامی که کار انجیل به کمال برسد، بی‌درنگ جدایی میان نیکان و بدان روی می‌دهد، و سرنوشت هر یک از این دو گروه تا ابد تثبیت می‌گردد.” درس‌های پندآموز مسیح، 123.

زمان مَهر یک صد و چهل و چهار هزار با قانون یک‌شنبه قریب‌الوقوع به پایان می‌رسد، و میان آن آزمون سوم و آزمون نخست که در 11 سپتامبر 2001 فرا رسید، آزمون دوم بر ادونتیسْم لائودیکیه وارد می‌شود. زیرا «پس از داوری، مهلت توبه‌ای نیست»، چرا که در آن هنگام کار انجیل برای آن یک صد و چهل و چهار هزار تن به کمال رسیده است.

خواهر وایت در چندین موضع تعلیم می‌دهد که اگر از آزمون نخست کامیاب بیرون نیاییم، آنگاه نمی‌توانیم از آزمون دوم نیز کامیاب بیرون آییم؛ و بدون گذر موفقیت‌آمیز از آزمون دوم، ناکامی خود را در آزمون سوم، یعنی آزمون تعیین‌کننده، آشکار خواهیم ساخت.

«ما به اعلان آمدن نخستین مسیح بازگردانیدند. یحیی در روح و قوت الیاس فرستاده شد تا راه عیسی را مهیا سازد. آنان که شهادت یحیی را رد کردند، از تعالیم عیسی بهره‌مند نشدند. مخالفت ایشان با پیامی که آمدن او را پیشگویی می‌کرد، آنان را در وضعیتی قرار داد که نمی‌توانستند به آسانی نیرومندترین شواهد را بپذیرند که او همان مسیحا بود. شیطان کسانی را که پیام یحیی را رد کردند، پیش راند تا باز هم فراتر روند و مسیح را رد کرده، مصلوب سازند. با این کار، خود را در جایی قرار دادند که نمی‌توانستند برکت روز پنطیکاست را دریافت کنند؛ برکتی که راه ورود به قدس آسمانی را به ایشان می‌آموخت. دریده شدن حجابِ هیکل نشان داد که قربانی‌ها و فرائض یهودی دیگر پذیرفته نخواهد شد. آن قربانی عظیم تقدیم شده و پذیرفته شده بود، و روح‌القدس که در روز پنطیکاست نازل شد، ذهن شاگردان را از قدس زمینی به قدس آسمانی معطوف ساخت، جایی که عیسی به خون خود داخل شده بود تا فواید کفاره خویش را بر شاگردانش فرو ریزد. اما یهودیان در تاریکی کامل واگذاشته شدند. آنان تمام نوری را که می‌توانستند درباره نقشه نجات داشته باشند، از دست دادند، و همچنان بر قربانی‌ها و هدایای بی‌فایده خود اعتماد می‌کردند. قدس آسمانی جای قدس زمینی را گرفته بود، با این‌همه آنان از این تغییر هیچ آگاهی نداشتند. از این‌رو نمی‌توانستند از شفاعت مسیح در مکان مقدس بهره‌مند شوند.»

«بسیاری با وحشت به رفتار یهودیان در ردّ و مصلوب ساختن مسیح می‌نگرند؛ و هنگامی که تاریخچه بدرقتاری ننگین با او را می‌خوانند، می‌پندارند که او را دوست دارند و همچون پطرس او را انکار نمی‌کردند یا همچون یهودیان او را مصلوب نمی‌ساختند. اما خدایی که دل‌های همه را می‌خواند، آن محبتی را که ایشان مدعی بودند نسبت به عیسی احساس می‌کنند، به آزمایش آورده است. تمامی آسمان با عمیق‌ترین علاقه، نحوه پذیرش پیام فرشته اول را نظاره می‌کرد. اما بسیاری که مدعی محبت به عیسی بودند، و چون داستان صلیب را می‌خواندند اشک می‌ریختند، خبر خوش آمدن او را به ریشخند گرفتند. به جای آنکه پیام را با شادی بپذیرند، اعلام کردند که آن فریبی بیش نیست. آنان کسانی را که ظهور او را دوست می‌داشتند، دشمن داشتند و ایشان را از کلیساهای بیرون راندند. کسانی که پیام اول را رد کردند، نمی‌توانستند از پیام دوم بهره‌مند شوند؛ و نیز از فریاد نیمه‌شب، که قرار بود ایشان را آماده سازد تا به وسیله ایمان با عیسی به قدس‌الاقداص حرم آسمانی داخل شوند، بهره‌ای نبردند. و با رد کردن آن دو پیام پیشین، فهم خود را چنان تاریک ساخته‌اند که هیچ نوری را در پیام فرشته سوم، که راه ورود به قدس‌الاقداص را نشان می‌دهد، نمی‌توانند ببینند. دیدم که همان‌گونه که یهودیان عیسی را مصلوب کردند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را مصلوب کرده‌اند؛ و از این رو هیچ معرفتی از راه ورود به قدس‌الاقداص ندارند، و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. آنان همچون یهودیانی که قربانی‌های بی‌فایده خود را تقدیم می‌کردند، دعا‌های بی‌فایده خود را به آن بخشی تقدیم می‌کنند که عیسی آن را ترک کرده است؛ و شیطان که از این فریب خشنود است، هیأتی دینی به خود می‌گیرد و ذهن‌های این مسیحیان معترف را به سوی خود می‌کشانند، و با قدرت خود و آیات و عجایب دروغین خویش عمل می‌کند تا آنان را در دام خود گرفتار و استوار سازد.»

Early Writings, 259–261

اگر ما پیام هشداردهنده‌ای را که یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نمایانگر آن است نپذیریم، آنگاه بی‌تردید هنگامی که قانون یک‌شنبه فرا رسد، آن را خواهیم پذیرفت، البته اگر هنوز زنده باشیم. با این وصف، آزمونی که در آن سرنوشت ابدی خود را تعیین می‌کنیم، و آزمونی که باید پیش از آنکه در زمان قانون یک‌شنبه مهر شویم از آن سرافراز بیرون آییم، یعنی همان آزمونی که باید پیش از بسته شدن در فرصت از آن عبور کنیم، آزمون دوم است، و آن همان آزمون تصویر وحش است.

«خداوند به روشنی به من نشان داده است که صورت وحش پیش از بسته شدن زمان آزمایش پدید خواهد آمد؛ زیرا این همان آزمون عظیم برای قوم خدا خواهد بود که به وسیله آن، سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد. موضع شما چنان آشفته و آکنده از ناسازگاری‌هاست که جز اندکی فریب نخواهند خورد.»

«در مکاشفه ۱۳ این موضوع به روشنی مطرح شده است؛ [مکاشفه ۱۳:۱۱-۱۷، نقل شده].»

«این آزمونی است که قوم خدا باید پیش از آن که مهر شوند، از آن بگذرند. همه کسانی که با نگاه داشتن شریعت او و امتناع از پذیرفتن سبتی جعلی، وفاداری خود را به خدا ثابت کرده‌اند، زیر بیرق یهوه، خداوند خدا، قرار خواهند گرفت و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. و آنان که حقیقت با منشأ آسمانی را واگذارند و سبت یکشنبه را بپذیرند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد.» Manuscript Releases, volume 15, 15.

دومین آزمون در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار، آزمونی بصری نبوی است. این آزمون مستلزم تشخیص شکل‌گیری تصویر وحش در ایالات متحده است، و آن آزمون فقط از طریق کلام نبوی خدا آشکار می‌گردد. افزون بر آن، کلام نبوی خدا را تنها کسانی درک خواهند کرد که برگزیند پیام باران آخر را بخورند؛ پیامی که به مثابه روش‌شناسی «سطر بر سطر» معرفی شده است. اگر از خوردن پیامی که هنگام نزول فرشته نیرومند مکاشفه هجده در دست اوست امتناع کنیم، توانایی تشخیص شکل‌گیری تصویر وحش را نخواهیم داشت.

برای خوردن پیامی که در دست فرشته است، لازم است که طالب نبوت بتواند ببیند که فرشته در دست خود پیامی دارد. هنگامی که فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود می‌آید، آیه چیزی را در دست او مشخص نمی‌سازد؛ اما روش‌شناسی «خط بر خط» بر پایه چندین شاهد استوار می‌سازد که در دست فرشتگانی که فرود می‌آیند، همواره پیامی وجود دارد. آنان که روش‌شناسی «خط بر خط» را رد می‌کنند، نسبت به پیامی که برهانی فراهم می‌آورد مبنی بر اینکه صورت وحش در ایالات متحده در حال شکل‌گیری است، کور هستند. این امر باید شناخته شود، زیرا سرنوشت ابدی ما بر شناخت این حقیقت مبتنی است. «خط بر خط»، خواهر وایت ویژگی‌های نبوی فرشته اول را با همان ویژگی‌های فرشته نیرومند باب هجده مکاشفه یکسان معرفی می‌کند.

«به من نشان داده شد که تمامی آسمان به کاری که بر زمین در جریان بود چه علاقه‌ای عمیق داشت. عیسی فرشته‌ای نیرومند را مأمور ساخت تا فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد که خود را برای ظهور دوم او آماده سازند. هنگامی که آن فرشته حضور عیسی را در آسمان ترک می‌کرد، نوری بس درخشان و پرچالال پیش روی او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این بود که زمین را از جلال خویش روشن سازد و انسان را از غضب آینده خدا آگاه کند. انبوهی از مردم آن نور را پذیرفتند. برخی از ایشان بسیار موقر به نظر می‌رسیدند، حال آنکه دیگران شادمان و از خود بی‌خود بودند. همه کسانی که نور را پذیرفتند، چهره‌های خود را به سوی آسمان گردانیدند و خدا را تمجید کردند. با آنکه آن نور بر همه تابیده می‌شد، برخی فقط تحت تأثیر آن قرار گرفتند، اما آن را از صمیم دل نپذیرفتند. بسیاری از خشم عظیم پر شدند. خادمان و مردم با شیرین متحد شدند و سخت در برابر نوری که از سوی آن فرشته نیرومند تابیده می‌شد مقاومت کردند. اما همه کسانی که آن را پذیرفتند، از دنیا کناره گرفتند و به نزدیکی با یکدیگر متحد شدند.»

«شیطان و فرشتگان او سخت مشغول بودند تا ذهن هرچه بیشتر مردم را از نور منحرف سازند. گروهی که آن را رد کردند، در تاریکی واگذارده شدند. دیدم که فرشته خدا با عمیق‌ترین علاقه بر قوم معترف خود نظر داشت تا شخصیتی را که آنان هنگام عرضه شدن آن پیام آسمانی در خود پرورش می‌دادند، ثبت کند. و چون بسیاری از آنان که مدعی محبت به عیسی بودند، با تمسخر، استهزا و نفرت از پیام آسمانی روی گردانیدند، فرشته‌ای با طوماری در دست، آن ثبت شرم‌آور را نوشت. تمام آسمان از خشم آکنده شد، زیرا عیسی بدین‌گونه از سوی پیروان معترف خود خوار شمرده شده بود.» Early Writings, 245, 246.

در این بخش، فرشته نخست باب چهاردهم مکاشفه «مأمور شد» تا فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد که خود را برای ظهور دوم او آماده سازند، و این دقیقاً همان کاری است که فرشته باب هجدهم مکاشفه انجام می‌دهد. مأموریت فرشته نخست این بود که «زمین را با جلال خویش روشن سازد و انسان را از غضب در شرف آمدن خدا آگاه کند»، و این بار دیگر همان مأموریت فرشته باب هجدهم است. آنان که این پیام را پذیرفتند، «خدا را جلال دادند»، و آنان که این پیام را رد کردند، «در تاریکی کامل واگذاشته شدند.»

دانیال و آن سه جوان برگزیده، خوردن خوراک آسمانی را برگزیدند، و گروه دیگر خوراک بابل را خوردند. در پایان «آزمون دیداری» ده‌روزه، دانیال و یارانش خدا را جلال دادند، زیرا سیمای ایشان از حیث ظاهر از آنان که خوراک بابل را می‌خوردند، فربه‌تر و نیکوتر بود. پیام فرشته اول در مکاشفه باب چهارده، هر سه آزمون را در شناسایی انجیل جاودانی در بر می‌گیرد. آزمون نخست این است که از خدا بترسید، آزمون دوم این است که او را جلال دهید، و آزمون سوم آنگاه است که ساعت داوری فرا می‌رسد. آنان که کتابچه را از دست فرشته اول گرفتند و آن را خوردند، چنان‌که یوحنا در باب ده نمایندگی می‌کند، در آزمون دوم خدا را جلال دادند، و آنگاه برای ورود به داوری نبوکدنصر آماده شدند. سطر بر سطر، آزمون نخست در 11 سپتامبر 2001 این بود که کتابچه‌ای را که در دست آن فرشته نیرومند بود بخورند. آن آزمون، آزمون بعدی را پدید آورد که در آن می‌بایست دو طبقه از پرستندگان پیش از سومین و آخرین آزمون محک‌آمیز آشکار شوند؛ آزمونی که به‌سادگی یا منش جلال‌یافته را نشان می‌داد، یا منش آکنده از تاریکی را.

زمان مهر یک لاکه چوالیس هزار کی تاریخ 11 ستمبر 2001 سے لے کر ریاستہائے متحدہ میں عنقریب آنے والے اتوار کے قانون تک ہے۔ اُس تاریخ میں دس کنواریوں کی تمثیل بعینہ حرف بہ حرف دہرائی جائے گی اور پوری ہوگی۔ پس یہ حقیقت اس امر کی نشان دہی کرتی ہے کہ حقوق دو کی نبوی تاریخ بھی بعینہ حرف بہ حرف دہرائی جائے گی اور پوری ہوگی۔ اس کا یہ مطلب بھی ہے کہ ایک لاکه چوالیس ہزار پر مہر کیے جانے کا زمانہ وہ زمانہ ہے جس میں ہر نبوی رویا کا اثر بعینہ حرف بہ حرف دہرایا جاتا ہے اور پورا ہوتا ہے۔

دانیال باب یازدهم، آیه چهل، در زمان آخر در سال ۱۹۸۹ گشوده شد. این آیه با زمان آخر در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و با مشخص ساختن زمان آخر در سال ۱۹۸۹ پایان می‌یابد. سطر بر سطر، زمان آخر در سال ۱۷۹۸ با زمان آخر در سال ۱۹۸۹ منطبق است. تاریخ آیه چهل، که از سال ۱۷۹۸ آغاز شده و تا قانون یکشنبه در آیه چهل‌ویک ادامه می‌یابد، نمایانگر تاریخ وحش زمین (ایالات متحده) به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است. دو شاخ وحش زمین، یعنی جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم، با دو زمان آخر نمایانده شده‌اند.

در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار، شاخ پروتستان در جریان دومین آزمون از سه آزمون واقع در آن بازه زمانی، دو طبقه از پرستندگان را پدید خواهد آورد. یک طبقه صورت مسیح را پرورانیده خواهد بود، و طبقه دیگر صورت وحش را پرورانیده خواهد بود. در آن دوره آزمایش، شاخ جمهوری‌خواه با شاخ پروتستان مرتد متحد خواهد شد و تمثالی از وحش را تشکیل خواهد داد، آنگاه که

کلیساهای پروتستان زمام حکومت مدنی را به دست گیرند. آن بازه زمانی به وسیله هر رؤیا در کلام خدا بازنمایی شده است، زیرا اینجاست که هر یک از «کتاب‌های کتاب مقدس، به یکدیگر می‌رسند و پایان می‌یابند.»

دومین آزمون در آن تاریخ، آزمون صورت وحش است؛ هم به‌طور درونی برای باکرگان، و هم به‌طور بیرونی برای سیاستمداران دو حزب سیاسی رقیب. آن آزمون، همان آزمونی است که باید «پیش از بسته شدن مهلت فیض» در قانون یکشنبه‌ای نزدیک‌الوقوع از آن سرافراز بیرون آییم. آن آزمون، همان آزمونی است که «پیش از آنکه مهر شویم» از آن عبور می‌کنیم. آن آزمون، همان آزمونی است که در آن «سرنوشت ابدی ما تعیین خواهد شد.»

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«فرشته‌ای نیرومند دیگر مأمور شد تا به زمین فرود آید. عیسی نوشته‌ای در دست او نهاد، و چون به زمین آمد، ندا درداد: "بابل سقوط کرد، سقوط کرد." سپس بار دیگر دیدم که نومیدشدگان چشمان خود را به سوی آسمان برمی‌افرازند و با ایمان و امید در انتظار ظهور خداوند خویش می‌نگرند. اما بسیاری چنان می‌نمودند که در حالتی کودن‌وار باقی مانده‌اند، گویی در خواب‌اند؛ با این همه، من می‌توانستم نشان اندوهی ژرف را بر چهره‌هایشان ببینم. نومیدشدگان از روی کتب مقدس دریافته‌اند که در زمان تأخیر به سر می‌برند و باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که آنان را در سال 1843 به انتظار خداوندشان واداشته بود، ایشان را بر آن داشت که در 1844 نیز چشم‌به‌راه او باشند. با این حال، دیدم که اکثریت آن نیرویی را که ایمانشان را در 1843 مشخص می‌ساخت، در خود نداشتند. نومیدی ایشان ایمانشان را فرو نمانده بود...»

«هنگامی که خدمت عیسی در مکان مقدس به پایان رسید، و او به قدس‌الاقداص داخل شد و در برابر تابوت حاوی شریعت خدا ایستاد، فرشته‌ای زورآور دیگر را با پیام سوم به جهان فرستاد. طوماری در دست آن فرشته نهاده شد، و چون با قدرت و جلال به سوی زمین فرود آمد، هشدار هولناک را اعلام کرد، با سهمگین‌ترین تهدیدی که هرگز به انسان رسانده شده است. این پیام برای آن مقرر شده بود که فرزندان خدا را به هوشیاری و احتیاط وادارد، از این راه که ساعت وسوسه و اندوهی را که پیش روی ایشان بود به آنان بنمایاند. فرشته گفت: "آنان به نبردی نزدیک با وحش و تصویر او کشانده خواهند شد. تنها امید ایشان برای حیات جاودان این است که استوار بمانند. هرچند جانشان در خطر است، باید به حقیقت سخت بچسبند." فرشته سوم پیام خود را بدین‌سان به پایان می‌رساند: "در اینجاست صبر مقدسین: اینان‌اند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند." چون این کلمات را تکرار کرد، به سوی مقدس آسمانی اشاره نمود. اذهان همه کسانی که این پیام را می‌پذیرند، به سوی قدس‌الاقداص معطوف می‌شود، جایی که عیسی در برابر تابوت ایستاده است و شفاعت نهایی خود را برای همه کسانی به‌جا می‌آورد که رحمت هنوز برایشان درنگ می‌کند و نیز برای آنان که از روی نادانی شریعت خدا را شکسته‌اند. این کفاره هم برای مردگان عادل به‌جا آورده می‌شود و هم برای زندگان عادل. این شامل همه کسانی است که با اعتماد به مسیح مردند، اما چون نور مربوط به احکام خدا را دریافت نکرده بودند، در تعدی از فرایض آن، از روی نادانی گناه ورزیده بودند.» Early Writings, 245, 255.